زبدۃ الالواح من
تصنیفات محمود
دہدار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام على سـ
محمد وخاتم النبيين احمد المصطفى المجتبى العلى المزكى الامين واله الطـ
وعترته الطاهرين سيما امير المؤمنين وامام المتقين على المرتضى الهادى
اليقين **بعد** از حمد وثناء حضرت كبريا ودرود وتحيت سرور انبيا و
اصفيا شروع ميرود در فتح ابواب اعمال نورانى ودعوات حق ووفات مقـ
فرقانى وفوايد ايات بينات قرانى ونكات غريبهٔ عجيبه در علم جفر و
اعداد واين رسالهٔ شريفه مسمى است **بزبدة الالواح** والله الـ
التوفيق **بعد** بر ارباب خبره واصحاب فطنت مخفى نماند كه اين حقير فقير خا
فقرا ابن محمد محمود دهدار المتخلص بعيانى مدتى مديد وعهدى بعيد د
علم رياضت كشيده واز هر كلشنى كلى كه خاصيتى داشت چيده چـ
كه ديگران از اين فايده بى بهره بمانند لهذا از ابهر طريق اخلاص نهاده اد
كه دست نامحرم از اين كوتاه باد وهر محرمى كه بدين نوايد شريفه فايز شود
فقير را بفاتحه فراموش نفرمايد والله المستعان وعليه التكلان **اما بعـ**
بدان ايدك الله كه علما دين در اين علم جفر جامع وقاعده وان بيست
حروف ابجد را بر دو قسم نهاده اند قسمى نورانى وقسمى ظلمانى ما النجه
حروف مقطعات قرانى است وباقى ظلمانى است ودر حروف ابتثـ
بدين نوع است لكن لام الف در سعد ... يات بى اسميد هند وطبيعـ

وطب میدارند و در نحسیات بذنب میدهند وطبیعتش بارد
میدارند این حروفات نورانی ظلمانی باقلیم سبعه قسمت داده اند
ختلاف قوالهم فلا در نورانیت وظلمانیت اختلافی نیست حالا شروع
در تقسیم حروفات نورانی برکواکب سبعه سیاره وجوزهر که انوا
خوانند بدین دستور زحل الم المص الر مشتری الر الر المر الر یخ
عصر طسم شمس طس طسم الم الم زهره الم الم یس ص عطارد
حم حمعسق حم قمر حم حم حم ق ن غیر مکرر الر کهیعص طس حم ق ن
چنین هر کوکبی که چهار سوره رسیده بطبایع اربعه است چنانچه اسم
ل اتشی دوم بادی سیم ابی چهارم خاکی واین تقسیم بر قواعد مقرر است بین
حرف واسم است چنانچه خانهای کتاب جفر جامع واقع است که چهار
یک جنس است یا از دو جنس یا از سه جنس یا از چهار جنس مقرر تمامی
طریق طبایع مقرر داشته اند که حرف اول اتشی دوم بادی سیم ابی چهارم
ست اگرچه گفته شد که چهار حرف تمام از یک جنس حرف باشد زیرا که
ی مواتبه مقرر است با خانهائی که در صفحه از صفحات جفر جامع واقع است
نین اولا بعناصر اربعه متعلق است اگرچه بقاعده که مشایخ مقرر داشته اند
ست زیرا که طریق مخصوص ائمه دین است فافهم پس حروفات نورانی بلا
رکه بکواکب سبعه دهند بدین طریق افتد که هر کوکبی و حرف برسد وان
ست زحل ای مشتری ل ع مریخ م ط شمس ص س زهره ح
سیار و ل ت ق قمر ع ن پس بدان که کواکب سبعه سیاره که از ابعضی
ند و بعضی نحس و یک ممتزج دانسته اند درست است فاما انچه سعدین
که در حضیض اند یا در هبوط یا در وبال یا در مقابله یا در مقارنه
ین اند اثر نحوست از ایشان ظاهر میشود و هم چنین نحسین هنگامیکه
حال اند سعادت دارند هنگامیکه بدحال اند کمال نحوست از ایشان
ر میشود عطارد ممتزج است سعد است با سعد و نحس است با نحس
یرین گاهی که در خانه خود اند یا در اوج یا در شرف کمال سعادت دارند

کاهی که در هبوط اند یا در منخسفا نند یا منکسف اند نحوست دارند و ازاین
معلوم است وقتیکه قمر در طریقه عقرب است اصل کارهای نیکو نمی شاید
کرد پس بنابر این اینها که سعدین اند نحوست هم دارند غایت آن اینست که
چون سعادت ایشان غالب بر نحوست ایشان است ایشانرا سعدین گفته
اند و نحسین اند سعادت هم ندارند فاما چون نحوست ایشان غالب
بر سعادت ایشان است ایشانرا نحسین گفته اند و نیرین هم چنین که
سعادت تمام دارند نحوست هم دارند فاما سعادت نورانیت در ایشان
غالب است از اینجهة بنیرین نامزد شده اند و عطارد که ممتزج است با
هر کدام از اینها که اتصال پیدا میکنند بمزاج ایشان میرود در سعادت و
نحوست در نفس خود نیز سعادت هم دارد و هم نحوست متقابل هم ازاین
جهت ممتزج گفته اند و عقدتین راس و ذنب نیز هم چنین در سعادت
و نحوست اند ولکن راس را سعد و ذنب را نحس گفته اند پس انجم در اوّل
از مقطعات فرقانی حروفات نورانی قرآنی من حیث الکلمه بکواکب مذکوره
قسمت شده مجموع متعلق بشرفهای ایشان است که حصهٔ هر یک که چهارا
در هنگام شرف آن اعظم کواکب است در فلزی که باو متعلق است نقش
باید کرد که سعادت تمام میدهد خواه سعد باشد و خواه نحس چنانچه
ذکر سعادت و نحوست ایشان گذشت که بچه کیفیت اند و هم چنین
مجموع آن سورها بیست ناسم اگر تمامی در شرف هر یک ازاین کواکب
هم نگارند متضمن باشند بسعادت و اگر در فلز آن کوکب نتوان نگاشت
بر کاغذ هم اگر بنویسند نیکو است فاما بانواع میتوان نگاشت در این نسخه
انواع که از همه اشرف و اعلا است در محل خود ذکر کرده خواهد شد دیگر
حروفات مفردهٔ نورانی که بازهر کوکب قسمت شده هم چنین در هنگام
خوشحالی ایشان بنظر و طالع سعد باید نگاشت که مورث بسیار فایده
ها است و اگر هم چنان در خوشحالی سعادت یکی ازاین کواکب مجموع حروفات
نورانی را بنگارند هم بسیار خوب است غرض که خواه در شرف و خواه در

خوشحالی بسیار است چه مجموع و چه جدا کانه که حصهٔ معنیه آن کوکب
باشد اکر بنکارند باعث بسیار فایده است و ذکر آن بتفصیل بعد از این
کرده خواهد شد دیکر آنکه هر سعادتمندی که سعادت او را یاری کند و
یاور باشد باید هنکامیکه قمر از اول روزی که نو میشود تا شب چهاردهم
یا پانزدهم و در طریقهٔ عقرب نباشد و در این اوقات سعدین خوشحالی
باشند و در شنبه اول ماه یا دوشنبه چهاردهم ماه در این چهارده روز
قمر با سعدین به تثلیثات و تسدیسات و مقارنات باشد باید که از اول
روز تا چهارده روز داشته باشد غذا از حلال کنه و حیوانی نباشد و
در محل عمل با لباس پاك باوراد مذکور مشغول شده و بخور از عنبر اشهب
بسوزاند شصت و شش اسماء الهی که حروفات نورانی مرکب است مداومت
نماید چنانچه هر روز شصت و شش بار که محل اسم الله الاعظم است و در
این اسم شصت و شش ارقام است که بعدد شصت و شش نوبت بخواند که
فواید بسیار است و در هنکامیکه متوجه عمل شود ظاهر خواهد شد هر روز
سی و سه نوبت در هر وقت بعد از نماز این آیه را بخواند الله نور السموات و
الارض مثل نوره الی والله بکل شیٔ علیم نتایج این بنوعی بود که ظاهر شود
و در کفتن نیاید اما باید که لوحی مرتب دارد عدد شصت و شش در
شصت و شش و اسماء مذکوره را در آن لوح موفق سازد و در ساعت سعدین
نیرین کتابت آن بکند و لوح باید که روز چهاردهم که آخر روز دعوت است
تمام شود تا چون ساعت کواکب مذکوره که ذکر کرده شد چون هنکام
کتابت بکذرد موقوف دارد که از آنجهت که در این چهارده روز باید نوشت
که تمام کتابت بتأنی در ساعت سعیده شود و هر روز علیحده لوحی وضع
کند در این چهارده روز و حرفی که بآن روز متعلق است در آن لوح
وضع کرده بقاعدهٔ که دکر خواهد شد و عزیمت آنمقدار دارد و
همه روز آن عزیمت میخوانده باشد و اکر میسر شود که الواح چهارده کانه
مذکوره را در لوح فضه که فلزات همه روزه نقش نماید در ساعت قمر

اولی است والّا که میسر نباشد بجلد آهو یا کاغذ خطائی رواست واگر
این هم نباشد کاغذی که خوب باشد در ساعت قمر لوحی بنگارد و بعد
از آن بخواندن عزیمت مشغول شود و عزیمت را هر روز ۸ ۲ نوبت بخواند
بعد از آن که اسمائی که از پیش ذکر کرده شد خوانده باشد و در محل نوشتن
و خواندن از بخور چاره نیست و می باید که بخور متصل باشد و در
این عدد ۶ رمزی دیگر هست که عدد حروف بسم الله الرحمن الرحیم
با عدد حروف سورهٔ اخلاص تمامی شصت و شش است فافهم و اسماء
عظام شصت و شش گانه که ذکر کرده شد اینست و با یاء نداء باید
خواند یا الله یا اللّٰه یا الله ۱ یا رحمن ۲ یا رحیم ۳ یا مالک ۴
یا سلام ۵ یا ظاهر ۶ یا مطهر ۷ یا قاهر ۸ یا قهار ۹ یا ناصر ۱۰
یا سمیع ۱۱ یا علیم ۱۲ یا حکیم ۱۳ یا حلیم ۱۴ یا محیط ۱۵ یا محصی
۱۶ یا حیّ ۱۷ یا قیوم ۱۸ یا ملیک ۱۹ یا مانع ۲۰ یا مقسط ۲۱ یا حق
۲۲ یا غنیّ ۲۳ یا مغنی ۲۴ یا معلی ۲۵ یا محیی ۲۶ یا کریم ۲۷
یا علی ۲۸ یا ملیّ ۲۹ یا علّام ۳۰ یا معلّم ۳۱ یا حنان ۳۲ یا منان
۳۳ یا راحم ۳۴ یا سلطان ۳۵ یا محسن ۳۶ یا منعم ۳۷ یا مکرم
۳۸ یا معظم ۳۹ یا مصلح ۴۰ یا ملهم ۴۱ یا عاصم ۴۲ یا مانح ۴۳
یا مسلم ۴۴ یا معین ۴۵ یا کامل ۴۶ یا حامل ۴۷ یا قاسم ۴۸ یا صانع
۴۹ یا اکمل ۵۰ یا سریع ۵۱ یا منیع ۵۲ یا امان ۵۳ یا طیب ۵۴ یا منیب
۵۵ یا مسیر ۵۶ یا نصیر ۵۷ یا آخر ۵۸ یا اوّل ۵۹ یا آمر ۶۰
یا ناجی ۶۱ یا کافی ۶۲ یا معطی ۶۳ یا سخی ۶۴ یا اکرم الاکرمین
۶۵ یا ارحم الراحمین ۶۶ دیگر آنکه الواح چهارده گانه که
ذکر رفت بدین نوع باید نوشت که لوح روز اوّل الم و روز
دوم المص و روز سیم الر و روز چهارم المر و روز پنجم کهیعص
و روز ششم طه و روز هفتم طسم و روز هشتم طس و روز
نهم یس و روز دهم ص و روز یازدهم حم و روز دوازدهم

یامطعم خ ل

جمعسق وروز سیزدهم ق وروز چهاردهم ن واین الواح را
در مربعی باید نگاشت به قسمی که متعلق است وآن سه درسه است
بشرط آنکه مربع بکشد نه مثلث وانچه عدد توان نگاشت بی کسر
فیها یا انکه کسر داشته باشد وبا عدد وفا نکند به لوح مربع مثلا طه
که عدد او چهارده است بر وفق لوح سه درسه قاعده آنست که
اسم را در مرکز نهند وبزیادت ونقصان تمام کنند وروز چهاردهم
لوحی را ترتیب دهد که چهار در چهار باشد ومجموع اسماء چهارده
گانه را بترتیب عقد بتکسیر موفق دارند ودر این چهارده روز هر
روز عزیمت آن لوح که مینگارند باید خواند ودر باب عزیمت شرح
بسیار است که بچه قاعده عمل میباید کرد فاما انچه در این باب علام‌ا
ذکر کرده میشود بقاعدهٔ فصیح چنانچه در هیچ کتاب ذکر نشده باشد
واین فقیر بعد از مشقت بسیار بر سر آن واقف شده بهمت درویشان
ودر این باب بخل نکرده بر طالبان ظاهر میسازد ویک لوح را جهة
نمونه مینگارد که باقی بر تامل صاحب جفر پوشیده نخواهد شد
والله المستعان وعلیه التکلان مثلا روز اول
اسم الم است ولوح وعزیمت آن اینست الم عدد او
هفتاد ویک است ودر این مربع کسر نمیتوان نگاشت
پس اول آنست بمرکز افتد چنانچه نموده شد اکنون

۶۸	۷۳	۷۲
۷۵	الم	۶۷
۷۰	۶۹	۷۴

قاعدهٔ استخراج عزیمت این لوح آنست که عدد خانهٔ اول برداشتیم
وآن هفتاد دو است وبحرف بردیم بر این نوع شد ع ب پس ائیل
از خارج اضافه کردیم عبائیل شد واین ملکیست از جملهٔ ملائکه
این نوع دیگر خانهٔ سیم که شصت هشت است برداشتیم وبحرف
بردیم بدین نوع شد س ح پس اسم ائیل اضافه کردیم سحائیل
شد پس خانهٔ هفتم گرفتیم وآن هفتاد چهار است بحرف بردیم
ع د شد پس اسم ائیل اضافه کردیم عدائیل شد پس خانهٔ نهم

برداشتیم که هفتاد است بحرف بردیم ع شد پس اسم ائیل اضافه کردیم
عائیل شد دیگر عدد صفحه برداشتیم و آن خانهٔ وسط است از
ضلع اوّل و وسط از ضلع آخر این لوح است و جمع کردیم صد و چهار
دو شد چون بحرف بردیم ق م ب شد پس ائیل اضافه کردیم قمبائیل
شد دیگر وفق صفحه برداشتیم و آن دویست سیزده است چون بحرف
بردیم ر ی ج پس ائیل اضافه کردیم رجائیل شد دیگر عدد مساحت لوح
برداشتیم و آن ششصد و سی و نه است چون بحرف بردیم خ ل ط
پس اسم ائیل اضافه کردیم خلطائیل شد و آن ملک اعظم است و
رئیس ملائکه است و اسم اعظم در این لوح الم که در مرکز واقع است
و در تمام این چهارده روز تمامی الواح بدین قاعده باید نگاشت که اسم
سوره در مرکز باشد تا قسم لوح بوده باشد و استخراج اسما باید کرد بدین
نوع که گذشت اکنون آمدیم با عوان این صفحه و آن از چهار رم
خانه اوسط مربع عددی باید داشت که اسم اعوان بیرون کنند بدین
طریق اوّل وسط سطر اعلی برداشتیم هفتاد و سه بود چون بحرف بردیم
ع ج شد چون کلمهٔ یوش اضافه کردیم عجیوش شد دیگر وسط ضلع
ایمن برداشتیم و آن شصت و هفت بود چون بحرف بردیم س ز شد پس
کلمه یوش اضافه کردیم سزیوش شد دیگر وسط ضلع ایسر برداشتیم هفتاد
و پنج بود چون بحرف بردیم ع ه شد پس کلمهٔ یوش اضافه کردیم عهیوش
شد دیگر وسط اسفل برداشتیم شصت و نه بود چون بحرف بردیم س ط
شد پس کلمهٔ یوش اضافه کردیم سطیوش شد و عزیمت این لوح هم چنین
شد و مثلا این ممکن نیست و کسی ذکر نکرده زیرا که این فقیر حقیر را بهمت
درویشان و توحید حضرت باری تعالی از سلسلهٔ حضرت امیر المؤمنین
اسد الله الغالب دست داده و در این خلافی نیست و نخواستیم که این
لطیفهٔ عجیبه در این علم مخفی ماند بلا شبهه در صفحهٔ اوراق نگاشتم
و امید دارم که نصیب قابلان مستعد شود و از نا اهلان گنج نهاد

اوّل مضمون

مصون و محروس ماند انشاء الله تعالی اکنون آمدیم بر سر عزیمت
و آن بدین نوع است بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم ایها
الارواح الطاهر المطیع لهذا اللوح الشریف یا عبائیل و یا سمائیل و یا عدائیل
و یا عمائیل و یا قبائیل و یا رجائیل بحق رئیسکم و الحاکم علیکم خلطائیل ان
اجیبونی و احضروا فی و امروا بهو لاء الاعوان مجیوش سنیوش عمهوش
سطیوش بقضاء حاجتی بحق الاسم الاعظم الم و بحق خالقکم و موجدکم
و باریکم بارک الله فیکم و لنا علیکم بالعمل الساعة الساعة الوحا الوحا و این عزیمت
هفتاد و یک بار بعدد اسم باید خواند که در مرکز لوح است و زیاد و کم خواندن
عزیمت موقوف بوقوف معزم صاحب وقوف است که امری بنوعی که از عهده
آن تواند بیرون آمد اما انکه باید از عدد قواعد مقرره بیرون نباشد مثل وفق
لوح یا عدد مرکز لوح یا عدد مساحت لوح یا نود و نه بار بازاء نود و نه نام حضرت
باری تعالی یا عدد اسم خود یا بعدد اسم مطلوب و اقل مراتب عدد حروف
غافیطوس است که هزار و صد و شصت و شش است فاما اگر عزیمت تسخیر
روحانیات باشد قاعده آن بدین نوع است که مثل نوع اول کبر الم است
و در مرکز نهاده اند و بروز اول ماه متعلق است هنگامی که لوح نگاشته
باشند بعد نود و نه نام نود و نه نوبت این عزیمت باید خواند که بعد
از این ذکر میرود و لوح بدین نوع باید نوشت که الم در یک روی
تکسیر کنند بنوعی که مقرر است در ظهر همین لوح عدد حروف الف را
بنظم طبیعی وفق سازد چنانچه صد و یازده عدد مرکز آن لوح باشد
و این عدد الف ملفوظی است و باقی الواح تمام بدین طریق و در این باب
جهة انموذج الواح نگاشته میشود و عزیمت تکرار کرده میشود تا بر
طالب صاحب وقوف مخفی نماند و باید دانست که در این حروفات
مقطعات خواه بترکیب کلامی که جمیع مفاتیح السور باشد خواه چهارده
سوره غیر مکرر و خواه چهارده حروف مکرر که اسماء سور از آن کرده
آن می کبا است هر نوع که تکسیر و وفق نماید یا غیر وفق که صد

ومؤخر باشد یا بقاعدهٔ کتابت جفر جامع که در هر خانه چهار حرف
باشد متضمن سعادت دنیوی و اخروی خواهد بود و هر کس بقدر
دریافت و فهم خود ازین فایده می بیند آمدیم بشرح مثلاً روز اوّل
تکسیر الم است لوح عددی که در ظهر همین لوح باید نگاشت و بعد
صفحهٔ پیشتر ذکر شد و لوحی که دو حرف باشد یا یک حرف مثل طه که
ط و ه و آنچه دو حرفی باشد در این عمل مثل طه طس یس حم آنچه یک حرفی است
مثل ص و ق و ن است و ترکیب تکسیر آن نوع است مثلاً
طه چون یک حرف بیّن مکرر است بدین نوع باید نگاشت
وطس و یس و حم بدین نوع تکسیر باید کرد مثل طس و
باقی دو حرفی معلوم است و یک حرفی بدین نوع تکسیر
باید کرد مثل ص و باقی بدین قیاس و لوح عددی مجموع
بنوعی که در حروف الف نموده شد که عدد ملفوظ آن
حرف در مرکز افتد یا عدد زبر شرط است که عدد باقی
بوفق وفا کند والا همان ملفوظی باید نهاد و ترتیب
حروف چهارده خانه که در ظهر مربعات تکسیر می باید
نهاد و در این چهارده روز بدین نوع است که نموده
می شود بدین ترتیب ا ل م ص ر ك ه ي ع ط
س ح ق ن و عزیمتی که در این چهارده روز می باید
خواند این است بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم
واقسمت علیکم یا ایها الارواح الموکلون بالالف المکتوب
فی لوح محفوظ وانتم مطلعون بسرها المودع فیها اسمعوا
قولی واجیبوا دعوتی واطیعوا امری بجمیع الالف المسطور
فی التوریة والانجیل والزبور والفرقان وجمیع الکتب و
الاسفار المنزل علی جمیع الانبیاء الله والمرسلین علیهم
السلام و بحق هذه الاسماء المعظمات الرکهیعص

ا	ل	م
ل	م	ا
م	ا	ل

۱۱۲	۱۱۳	۱۰۸
۱۰۷	۱۱۱	۱۱۵
۱۱۴	۱۰۹	۱۱۰

ط	ه	ا
ه	ا	ط
ا	ط	ه

طا	س	ین
س	ین	طا
ین	طا	س

ص	ا	د
ا	د	ص
د	ص	ا

طس

طس حم ق ن بارك الله فيكم وعليكم وبشركم الله بالجنة التي كنتم
بها يدعون واين عزيمت را نود و نه بار بخوانند در امور تسخير در اين
چهارده روز همه روزها بايد بخوانند تا روحانيات مطيع او شوند
وكم از اين نميتوان مگر براى اندك فهمى را اين چهارده روز هر روز
بيست هشت نوبة بخوانند و باقى را بجاى ميبايد آورد در همه حال
و در هر روز از آن حرفى كه تكسير كرده است در هنگام عزيمت خواندن
بآن تكلم بايد نمود مثلا روز اول بالالف المسطور فى التورية والانجيل
والزبور والفرقان ميگويد روز دوم كه نوبة حرف لام است بجاى
الف لام ميگويد و روز سيم همچنين بجاى لام ميم الى آخر الحروف
فافهم نكتهٔ لطيفهٔ غريبه در اين عزيمت وقسم اين عزيمت آنست كه
صاحب دعوت بايد كه اسماء عظام الهى بقاعدهٔ كه حضرت اسد الله
الغالب على ابن ابى طالب عم در حروف مقطعه بتركيب ميخوانده اند بخوانند
و بكار آورد چنانچه بخواند كه بحق الرحيم عصر طس حم ق ن واين تركيب
مجموع چهارده حرف است بلا تكرار حروف مستجابه است واگر كسى
همين اسما را بقاعدهٔ ورد بخواند وحاجات بخواهد مستجاب است
آمديم بر شرح الواح اشراف كواكب كه از پيش بيانى بدان شده بود وتفصيل
آن اولى است تا طالب مستحق از آن فايده يابد و فقير را بدعاى خير و فاتحه
ياد كند بايد دانست كه خاتم كواكب به دو نوع مقرر داشته اند علماى
مشارقه سه در سه را بزحل داده اند و چهار در چهار را بعطارد و پنج
در پنج را بزهره و شش در شش را بشمس و هفت در هفت را بمريخ و
هشت در هشت را بمشترى و نه در نه را بزحل و خاتم بدين نوع
مقرر است و علماء مغاربه عكس اين مقرر كرده اند چنانچه سه در سه
بزحل داده اند و چهار در چهار بمشترى و پنج در پنج بمريخ و شش در
شش بشمس و هفت در هفت بزهره و هشت در هشت بعطارد و نه
در نه بقمر و ده در ده شرف كل كواكب است و شرف را سر است على التى

اقوال عاملان در جمیع سعادات بیکی از این دو قاعده عمل میباید کرد چنانچه در شرف هر کوکب آن عدد مفتاح سورهٔ که قبل از این ذکر کرده شد در ذیل هر کوکبی همان عدد را بنوعی که بهتر باشد موافق دارد و تکسیر کند و در نظرات سعد گرداشته باشد که در شرف بوده باشد آن دو حرفی که هر یک امتزاج است بعمل آورده و در این باب قواعد بسیار و بیشمار است حالا آنچه صلاحیت این مختصر دارد گفته میشود و بخورات لایق باید سوخت که متضمن بسی فواید است و باید دانست که کواکب سبعه را با قالیم سبعه داده اند و مناسبتی تمام دارد و در این نکته دقیقه است که عمل برای هر کس که باشد در نیکوئی و سعادت حال یا برای نفس خود ملاحظه باید کرد که بکدام اقلیم متعلق است و کدام کوکب را با او مناسبتی هست و از آن مناسبت عمل باید کرد تا خطا واقع نشود و فایده بعمل آید و این دقیقه را در همه امور مرعی باید داشت و از لوح عددی یا تکسیری که موافق میسازند ملائکهٔ سبعه بنوعی که در مربع قمری نموده شد بیرون باید آورد بشروط چند و آن شرطها آنست که اوّلاً اگر عدد وفق قابل طرح نباشد اضافه باید کرد مثلاً چهار در چهار یا پنج در پنج یا کمتر از اینها موفق کرده شده باشد و عدد و نقش نظم طبیعی همان لوح بوده باشد بی هیچ اضافتی پس خانهٔ اوّل آن لوح قابل آن نیست که استخراج اسم ملک از آن توان نمود زیرا که در این عمل در هر عدد اسمی پنجاه یک عدد طرح میباید کرد جهة ائیل و باقی عدد بحرف برند و بر آن حروف ائیل اضافه کرده بخوانند و این میسر نمیشود تا مادامی که عدد خانهٔ مقدم فوق پنجاه یک نبوده باشد پس بر این تقدیر عدد استقصار اضافه میباید کرد که آن عدد تام سال است که سیصد و شصت و شش باشد و بعضی بر آنند که عدد ضرب عناصر اربعه که شانزده است با عدد خودش که چهار است هم اضافه میباید کرد که سیصد و هشتاد و پنج اضافه بوده باشد و این قاعده ایست که در کتاب دُرِّ نامه مقرر داشته اند یا آنکه همین عدد

استقصار

سیصد و شصت و پنج را در چهار ضرب باید کرد و حاصل الضرب را
اضافه خانه اول کنند و پنجاه یک از آن حذف کنند و ائیل اضافه کنند
و آن عدد یکهزار و چهارصد و شصت است علی ای اقوال عدد اضافه
بباید نمود و قاعده ایست زیرا که در این رمز غریب هست مؤلف
رباعی هر چند بر آنم که نگویم اسرار ٭ دل میگوید بگوی پوشیده مدار
چون خود بریاضت این بدست آوردی ٭ بی منت یار باید ریاضت بسیار ٭
اما امیدوارم که انکسر که بر این قواعد نفیسه که ذکر کرده شد واقف
شود فقیر را بفاتحه فراموش نکنند و سعی را ضایع ندانند و قدرش نگاه
دارد و هر نا بایست و ناشایست بکار نیاورد که خسران دو جهانی
حاصل کند و پای از اندازه که مردان مقرر داشته اند بیرون ننهند
تا بمراد برسد و الا حکم آن داشته باشد که باغبانی در موسم بهار
رخصت کسی داد که بطوف بهار و گل رود از قضا این بستان سرای از
ریاحین و گل بود و دیده طواف هرگز چنان منزلی ندیده بود و شروع
در خرابی کند تا انکه طوف را ملاحظه کند و ریاحین را ببوید و بهار را
ببیند نه بشکند زیرا که میوه در آن مختفی است باغبان هر چند ملاحظه
کرد دید که این شخص هر چند بهار در درختی می بیند بچشم خوش
می آید و شاخ آن بشکند بهر نوع او را فریب داده از باغ بیرون کرد
و در باغ چنان بر او گرفت که اصلا دیگر بغیر از حکایتی از آن باغ نشنود
چه جای آن که موسم میوه بمیوه خوردن آید و این حرمان بواسطه
بی ادبی و بی حرمتی و بی قدری بود اکنون ای طالب عاشق صادق این باغی
آراسته است پر از میوه و میوه های این باغ همه رسیده است و باغبان
این باغ در گشاده است فاما رخصت آن نداده است که بیش از قوت
خود کسی متصرف شود بلکه اولی آنست که بتماشای از آن قانع باشد
غرض که این علم بزرگست و دانستن این علم بسی مشکل ست و غرض
از دانستن این علم آنست که انسان صاحب معرفتی شده باشد نه انکه

برای هر نیك و بد متوجه زحمت روحانیات شود تا کار بانجا کشد که
روحانیات قصد کنند و انکس را هلاك سازند حالا بدان که بسیار
کسی که در این خیال قدم نهاده اند در قدم اوّل بهمان غرض که بکار داشته
اند باز مانده اند وغیر نام گل و گلستان چیزی دیگر حاصل نکرده اند
بلکه بهار این بستان ندیده اند چه جای آنکه بمیوه رسیده باشند
یا از آن میوه چیده باشند و استادان این فن تا غایت هرچند کتب و
رساله ساخته اند آنچه حقیقت حال بوده ذکر نکرده اند و کلید بر
قفل نهاده اند و این در را مقفل گذاشته اند و دریغ داشته اند که
مبادا که نا اهل را فرصت در باز کردن شود و بی ادبی آغاز کند و هلاك خود
به بیند و این فقیر چون مدّتی در این علمها سعی بلیغ نموده و ریاضت کشیده
و ترك مدّعای خود کرده با آنکه حق علیم است که طالب مدّعا و اغراض دنیوی
نبود بقدر حوصله و فهم بر رموزی چند در این علم یافت و از همت درویشان
بفیض اسرار بعضی از این علم رسید و این از آن بود که بهر غرض مزاحم روحانیات
نبود برای هر کسی و هر چیزی متوجه عمل نمیشد اکنون چون کار به اینجا
رسید که بعد از مشقت بسیار سرّی چند در این علم دانسته شد و
نخواست که در پرده بماند و کسی از آن فایده نیابد بیغرض در این مختصر قاعده
علمی چند بیان کرد و تبیان رموزات آن نمود اکنون در عهدهٔ طالب مستحق
باد که وصیت فراموش نکند و چون بر این اسرار مطلع شود و واقف گردد
خود را از غرض نگاه دارد تا بکلی آنچه حاصل این علم است بقدر حوصله خود
بیابد والسّلام علی من اتبع الهدی چون شرایط عمل از پیش گذشته از ادای آن
ناگزیر است بدان لوحی که می نگارند از آن لوح عزیمت
استخراج میباید کرد بر این نوع که گفته میشود مثلا
لوحی چهار در چهار بنظم طبیعی موفق نمودیم بدین
نوع اکنون از این لوح عزیمتی مرتب میشود از خانهٔ
اوّل که عدد یك است سیصد و هشتاد بر آن

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

اضافه کردیم سیصد و هشتاد و یک شد و پنجاه و یک از آن طرح کردیم جهة ائیل باقی سیصد و سی شد بحرف بردیم بقاعدهٔ مقرر ش ل شد پس ائیل را اضافه کردیم شلائیل شد و باید دانست که اضافها در اینجا بقاعدهٔ ایست که در کتاب در ر ناصعه گفته اند فاما استخراج اسماء از آن اثرها است دیگر خانه چهارم که زاویهٔ دو باشد هشت بود چون اضافه کردیم سیصد و هشتاد و هشت شد پنجاه و یک از او طرح کردیم باقی سیصد و سی و هفت شد بحرف بردیم ش ل ز شد پس ائیل اضافه کردیم شلزائیل شد دیگر خانهٔ سیزدهم که زاویهٔ سیم است پانزده بود چون اضافه کردیم سیصد و نود و پنج شد پنجاه و یک طرح کردیم سیصد و چهل و چهار شد چون بحرف بردیم ش م د شد پس ائیل اضافه کردیم شمدائیل شد دیگر خانهٔ شانزدهم که زاویهٔ چهارم است ده است سیصد و هشتاد اضافه کردیم سیصد و نود شد پنجاه و یک طرح کردیم سیصد و سی و نه باقی ماند بحرف بردیم ش ل ط شد چون ائیل اضافه کردیم شلطائیل شد دیگر عدد عدل این لوح گرفتیم که آن خانهٔ اوّل است که یک بود خانهٔ شانزدهم که شانزده بود که عدد آخرین در او ست جمع کردیم هفده شد سیصد و هشتاد را اضافه کردیم سیصد و نود و هفت شد پنجاه و یک طرح کردیم سیصد و چهل و شش باقی ماند چون بحرف بردیم ش م و شد چون ائیل اضافه کردیم شموائیل شد و دیگر وفق لوح گرفتیم و آن سی و چهار بود سیصد و هشتاد اضافه کردیم چهارصد و چهارده شد پنجاه و یک طرح کردیم سیصد و شصت و سه شد بحرف بردیم ش س ج شد چون ائیل اضافه کردیم شسجائیل شد دیگر مساحت لوح گرفتیم صد و سی و شش بود سیصد و هشتاد اضافه کردیم پانصد و شانزده شد پنجاه و یک طرح کردیم چهارصد و شصت و پنج باقی ماند چون بحرف بردیم ت س ه شد پس ائیل اضافه کردیم تسهائیل شد و این ملک اعظم است و بعضی در این عمل چائی که عدد

قابل طرح است اضافه نمیکنند و درست است امّا بهتر آنست که چون
اضافه کرده میشود از اوّل تا به آخر بوده باشد وانچه از اوّل قابل طرح نشد یا
اصلا اضافه بر آن حاجت نیست از اول تا بآخر و آن چنانست که لوحی
بنگارند که عدد مقرر معین در آن وفق بدهد مثلاً که در خانهٔ اوّل آن
لوح ما فوق پنجاه و یك عدد بوده باشد اکنون آمدیم بر سر تمامی لوح
و اسم عون و اسم اعظم در این زمان این دوراد رهیچ لوحی رهیچ عملی
کسی یاد نکرده و این فقیر در این مختصر درج مینماید بدان که در این لوح
چهار در چهار چهار خانه که دوم کز اوست و عدد آن چهار خانه را باید
گرفت که چند است و مطابق آن اسمی یا چند اسم از اسمای الهی باید آورد
اگرچه جمع عدد بیوت مربع مذکور همان عدد وفق اوست امّا آن عدد مخرج
اسمی از اسمای ملایك بود و این عدد حصهٔ مخرج اسمی یا چند اسم از اسما
الهی است و مطابق عدد بیوت مرکز مربع مذکور اسم و هّاب و هادی است
و این اسماء قسم این لوح است و هشت خانهٔ دیگر که واسطهٔ زوایا است
هشت اسم اعوانست با اضافهٔ یوش از خارج بی طرح تا در لوحی که عدد
سیصد و هشتاد اضافه نشده باشد یا ائیل از خارج داخل اسم ملایك
شده باشد و اگر اضافه داخل شده باشد در این اسماء هم داخل باید کرد که
عدد یوش که سیصد و شانزده است طرح کنند و باقی بحرف برند مثلا
خانهٔ یسار زاویهٔ اوّل در این لوح چهارده است سیصد و هشتاد اضافه
کردیم سیصد و نود و چهار شد چون سیصد و شانزده که عدد یوش است
طرح کردیم هفتاد و هشت باقی ماند چون بحرف بردیم عح شد
پس یوش اضافه کردیم عحیوش شد هفت خانهٔ دیگر برین قیاس فافهم
و بخور این لوح بقاعدهٔ کلیه عنبر اشهب و لبان است خواه در شیشه با گلاب
بجوشانند و خواه حب کرده بسوزند نکتهٔ دقیق در این سطور بدل نکه آن
عدد وفق صفحه که مرتب کرده باشد چهار چهار طرح باید کرد تا انچه بماند
چهار نخواهد بود یا کمتر از آن حالا اگر چهار است ترابی است و اگر سه

ی واکرد و هوائی واکر یك ناری فافهم واعمل اللوح بمن بقی هذا العدد و
کو سه سه طرح باید کرد انچه بماند سه است یا کمتر از سه اکر سه است
ی باشد واکر دو است نباتی باشد واکر یك است معدنی فمن یعمل
بالرموز یوجد مراده فافهم دیکر انچه در خواص مربّعات نورانی فرقانی
تکسیرات مقطعات قرآنی در خواطر فاطر در آمد بی ملاحظه و تفکر و تدبر
اثبت شد و بعد از این شروع در بواقی الواح میشود والله اعلم بحقایق الامور
بدان ای عزیز که هر کاه که در اوّل ماهی که وصف آن کرده شد کسی ارادهٔ
دعوت نورانی کند باید که چند شرط مرعی دارد و بعد از ان شروع کند اوّلا
در این چهارده روز هر روز قبل از شروع در خواندن عزایم لوحی بنکارد که آن
لوح مسمّی باسم یکی از این چهارده نفس نفیس بوده باشد و مدد از روح پر فتوح
ایشان طلب دارد زیرا که ایشان خازنان کنج الهی و واقفان اسرار غیب کماهی
اند تا روح بزرکوار ایشان مدد حال بوده باشد و خطری و ضرری واقع نشود
اوّلا روز اول توسل بروح مطهر و قالب معطر حضرت خاتم النبیین و سیّد
المرسلین محمد رسول الله صلّی الله علیه وآله وسلّم نموده تیمن و تبرك لوحی
باسم شریف آن بزرکوار بوفق مربع ترتیب دهد و بعد وفق
نمودن لوح صلوات بروح پر فتوح آن حضرت و آل کرامش
تحفه کند و این ورد صلوات در این چهارده روز همین عدد
بخواند و در روز دوّم لوحی باسم اسد الله الغالب امیر المؤمنین

ابوال	قاسم	محمد
سابق	قطب	یاماجد
مکمّل	طیّب	حبیب نجی

علی ابن ابی طالب علیه السّلام موفق سازد و روز سیم باسم علیا حضرت
خیر النساء اعنی فاطمة الزهراء سلام الله علیها مرتب دهد بدانکه اسم علیا
حضرت خیر النساء بدان نوشته شد که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که وضع
نموده اند که حکم از روی آن بر وقوع حوادث کنند تا آخر الزمان آنرا مصحف
فاطمه نام کرده اند تا غافل نباشی فافهم یازده روز دیکر هم چنین هر روز لوحی
باسم یکی از ائمه موفق سازد تا حضرت مهدی صاحب الامر ع و این فقیر در این ماده
سعی بلیغ نموده الواح مذکور را بنوعی استخراج کرده و موفق ساخته که تا غایت

روز یازدهم ۶۵۳		
ا	ت	ق
[illegible]	فالق	ق مجید
یا	حبیب	ملک [illegible]

لوح روز دوازدهم ۳۲۱		
علی	نقی	الهادی
حسم	موزین	و الله
سابق	نور	عدل

لوح روز سیزدهم ۵۱۵		
الحسن	العسکر	ی
علام	سمیع	واحد
سلطان	دیان چهار	تا القوا

لوح چهاردهم ۲۳		
المهد	ال	مهدی
ابن	الحمد	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

ت در این چند روز به ورد صلوات مشغول باید شد که همه روزه دو
چهار و سه نوبت صلوات بروح مطهر حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و سلم فرستد و همت از روح آنحضرت و ائمه معصومین علیهم
السلام طلب نماید و از حضرت صاحب الامر سلام الله علیه مدد خواهد که
مستجاب است انشاء الله تعالی دیگر بدان که مفردات حروف نورانی که فواتح
سورت و نه سورهٔ فرقانی است فرداً فرداً متعلق است بسیر قمر در هنگامیکه
ابتداء نور او باشد تا روز چهارده که کامل النور است و قاعدهٔ دعوت در این
باب بسیار است فاما آنچه صلاح وقت دارد آنست که اگر تسخیر روحانیات خواهد
باشد هر روز چند لوح باید نگاشت در این مدت چهارده روز و این غیر آنست
که قبل از این ذکر شد دیگر آن دعوت مفاتیح السور بود و این دعوت اسماء
الله است اکنون شروع میرود در قاعدهٔ دعوت اسماء الله که مجموع مرکب از این
چهارده حروف نورانی ست الزبر والبینات و مفتاح هر اسم حرفی است از
جملهٔ حروف چهارده گانه و در این دعوت سه قاعده مقرر است اول صغیر
جهة فتوحات و جمعیات و مثل ذلک دوم وسیط جهة مهمات کلی شروع
سیم کبیر و این جهة تسخیر روحانیات است و مدت ایام این دعوت سه
ماه متعاقب است که شهر رجب و شعبان و رمضان بوده باشد بشرط آنکه
صیام پیوسته و اکل حلال از غیر حیوانی و دوام خلوت و لباس طاهر و
عزلت و آنکه در این سه ماه قمر در چهارده روزی که زاید النور است در عقرب
نباشد در این شرط کلی است و در این سه ماه همه روزه باوراد و اذکار متنوعه
و قرائت قرآن مشغول باید بود و در شب اسماء عظام را بقاعده که بعد
از این عدد آن ظاهر میشود باید خواند و در آن چهارده شب زاید النور

هر شب اسمی متعلق بان مداومت باید کرد و آن شبها ی پکر که قمر ناقص
النور است بورد لا اله الا الله مشغول باید بود و مجموع این اسماء چهار د
کانه هر شب بیست و هشت نوبت که آن عدد منازل قمر است باید خواند
و در این سه ماه متعاقب هم چنین باید کرد که شبهای نورانی ذکر خواص الله
و شبهای ناقص النور ذکر لا اله الا الله بخوانند و هر شب بخور باید سوخت
از عنبر اشهب و لبن البان و غیر ذلک تا روحانیت اجابت نمایند اکنون
تفصیل دعوت کبیر بیان کنیم و قاعدهٔ آن بدان که اسماء الله را هر کس
بنوعی عددی مقرر داشته اند فاما این عدد کبیر است که ذکر کرده می شود
مثلا روز اول ماه بحرف الف متعلق است و اسم الله در آن ذکر میباید
کرد اینست اول لوحی بنگارند بوفق قمر و عدد اسم الله بجمل کبیر در آن
لوح موفق دارند و بهمان عدد بلا زیاده و کم ذکر اسم الله را تلاوت
کنند و عدد اینست ا آحاد ل عشرات ل مات ه الوف بدانکه
آحاد در مرتبه آحاد یك است و در مرتبهٔ عشرات ده است و در مرتبهٔ مات
صد و در مرتبهٔ الوف هزار پس این اسم شریف را الف که حرف اول است در
مرتبهٔ خود واقع است که یك باشد و لام که حرف دوم او ست حرف عشرات است
که در مرتبهٔ عشرات واقع است سی میشود و لام سیم هم از حروف عشرات است
در مرتبهٔ مات واقع است پس سیصد خواهد بود و حرف رابع که هاست
حرف آحاد است در مرتبهٔ الوف واقع است پس پنجهزار خواهد بود
جمل اسم الله این باشد ا آحاد ل عشرات ل مات ه الوف پس اسم
شریف الله را که اسم ذاتست در روز اول ماه یا شب اول و بهمین عدد
تلاوت باید نمود و لوح عددش باید نگاشت و از لوح عدد شروع عزیمت بقا عدم
که از پیش ذکر رفت بیرون باید آورد و بعد از آن اسم را بعدد خود
خوانده باشد تو دو نه نوبت عزیمت باید خواند و قسم العزیمة در این
دعوت همین اسم الله است و چون قاعدهٔ لوح نگاشتن و استخراج
اسماء از لوح عددی از پیش گذشته بتکرار آن احتیاج نیست دیگر

قاعدهٔ

قاعدهٔ دعوت وسیط و این قاعده چنانست که در این چهارده روز که قمر زاید النور است متوجه عزیمت شود در روز اوّل لوح عددی به اسم الله موفق سازد چنانچه الله در مرکز آن لوح باشد و تمام کنند و عدد خواندنش آنست که جمل اسم الله که آن شصت و شش است در حروف اسم الله که چهار است ضرب کند و حاصل الضرب عدد خواندن باشد و عزیمت بقاعدهٔ مقرر که از لوح بیرون آورد شصت و شش نوبت بخواند بعد از آن که اسم الله را ذکر کرده باشد و قسم عزیمت همین اسم است و لوحش مقرر شده دیگر دعوت صغیر است و آن چنانست که لوحی بنگارند که در اصل لوح وفق اسم الله باشد که شصت و شش است و عزیمت آن بیرون آورد و عزیمت با اسم بیست و هشت نوبت بخواند بعد از آن که شصت و شش نوبت اسم الله را ذکر کرده باشد و در هر دعوتی بخور می باید و صوم می باید و اگر در دعوت صغیر و وسیط از حیوانی جمالی متصرف شود در وقت افطار میکنند و بواقی روزها در هر دعوت اسمائی که مقرر است بهمان عددهای مقرره که در دعوت ثلاثه ذکر رفت میباید خواند و لوحش هم چنان میباید ساخت و اسماء مذکوره اینست روز اول اسم الله عدد کبیرش ۸۳۲ عدد وسیط ۶۳ و عدد صغیر ۶۶ روز دوم لطیف ۸۱۲ روز سیم مالک ۳۳ روز چهارم صمد یا صفی ۳۸۹ روز پنجم رحیم ۸۳۴ روز ششم کریم ۲۳۰ روز هفتم هادی ۱۲۵ روز هشتم نور ۵۷۰ این بقاعده ئیست که حضرت امیر المؤمنین ع در داعیهٔ حی و فات نورانی اختیار فرموده است روز نهم عالی ۱۳۸۰ روز دهم طیب ۹۲ روز یازدهم سمیع ۶۱۴۷ روز دوازدهم حاکم ۲۱۸ روز سیزدهم قیوم ۵۰۰ روز چهاردهم نافع ۷۶۰ و الواح ثلاثه که در دعوات مقرره ذکر کرده شد از آن یک روز اول جهة انموذج نگاشته میشود و باقی بر عامل ظاهر است و روزهای دیگر الواح بدین نوع باید نگاشت در هر دعوت که پیش باشد

ا الله ۶ ۶

۳۲۱۳	۳۲۱۹	۳۲۱۵		۸۹	۱۰۸	۶۷		۲۳	۳۴	۱۹
۳۲۱۴	۳۲۱۷	۳۲۲۱	[illegible]	الله	۸۸	علی	[illegible]	۱۸	۳۳	۲۶
۳۲۲۰	۳۲۱۵	۳۲۱۶		۱۰۹	۶۸	۸۷		۲۵	۳۲	۳۱

فاما ذینهار صد هزار زینهار که بنا مشروعات متوجه نشود که این جهت
از قبیل دیگر عزایمات نیست و بس تیز است اکنون لوحی چند از حروف
مقرره نورانی و عدد آن ترتیب داده میشود که بر عامل صاحب وقوف
ظاهر شود و بواقی حروفات بدین قواعد در عمل آورد مثلا روز اول حرف
الف لوح تکسیر و عدد شراینست و روز دوم حرف لام که کسر دارد لوح
تکسیر و عدد شراینست که بعد از حرف الف نموده شد و در لوح عددی
لام چه لطیفهٔ نازک واقع شده که خانهٔ لوح عدد حرف لام است و
طرح عددی لام اینست که

ل ا م	ا	ل	ف		[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۲ ۲۴	ف	ا	ل		[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳ ۱۴	ل	ف	ا		[illegible]	[illegible]	[illegible]

بعد از الواح نموده شد
و در روزهای هم چنین
وانچه کسر داشته باشد بقاعده
که نموده شد در حرف لام عمل نمایند
در دیگر حروف و بر عامل صاحب وقوف

ل	ا	م		[illegible]	[illegible]	[illegible]
م	ل	ا		[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	م	ل		[illegible]	[illegible]	[illegible]

این نموذج کافی است مثلا حرف
صاد را عدد بلا بینات موفق دارد که
بلا کسر است و در تکسیر با بینات تکسیر کند که قصوری ندارد و حرف
ها و طا و را و یا و حا که یک حرف بین دارند بعینه در مرکز لوح
عددی بنهند که حاجت تکسیرش نیست بدین مثال که در حرف ها
نموده شده و باقی حروف را بدین طریق اما حق دانا ست که انچه در
این باب بر این فقیر روشن است بلا بخل ظاهر ساخته
بطبق اخلاص در آورده ام و پرده از روی بعضی اسرار
کشیده ام در کردن برادران طالب صاحب وقوف باد

۷	۸	۳
۲	ها	۱۰
۹	۴	۵

کہ

کہ موموزات را از دیدۂ نا اہل مخفی دارند بہر نا بایست و نا شایست متوجہ
این کار نشوند کہ زیان میرسانند اکنون چون قبل از این ذکر اشرف کواکب الواح ایشان
گذشتہ بود آن نیز بتوفیق اللہ تعالیٰ نمودہ شود و اگر در این الواح کہ نمودہ
میشود یک طرف لوح تکسیر کنند و در یک طرف ورق بنگارند زہے انواع اعلاست

لوح سعادت قمر | **لوح سعادت قمر** | **لوح شرف قمر**

لوح سعادت قمر		
۵۴	۵۳	۵۸
۵۹	هن	۵۲
۵۳	۵۷	۵۶

لوح سعادت قمر		
۳۹	۳۹	۳۸
۳۱	۳۷	۳۳
۳۶	۳۵	۴۰

لوح شرف قمر		
حمعسق	طسم	المر
۲۳۹	۲۳۶	۲۴۳
نافع	۳۱۳	۱۹۴

لوح سعادت عطارد			
ق	۲۶	۱۳۴	ک
۱۳۵	۲۱	۹۹	۲۷
۲۲	۱۳۸	۲۴	۹۸
۳۵	۹۷	۲۳	۱۳۷

لوح شرف عطارد			
ق	حم	طس	الر
۶۸	۲۳۲	۹۹	۴۹
۲۳۳	۷۱	۴۶	۹۸
۴۷	۹۷	۲۳۴	۷۰

لوح سعادت زهره				
ح	۳	۱۵	۲۱	ب
۱۶	۱۷	نافع	۹	۴
۲۲	۱۰	۵	۱۲	حی
۱	۱۳	وحل	۲۳	هو
۲۰	۲۴	۷	۲	طه

لوح شرف زهره				
مر	ح	ص	طسم	الر
۹۱	۱۰۵	۲۳۲	۱۴۱	۹
۲۳۳	۲۴۲	۱۰	۸۷	۱۰۶
۶	۸۸	۱۰۷	۲۳۴	۳۴
حق	۲۳۹	۲۹	۷	۸۹

لوح سعادت شمس					
۱۵	۱۲	۳۷	۳۹	۴۰	۷
۳۸	۳۵	۱۳	۱۱	۱۰	۳۴
۳۴	۱۴	۲۹	۲۴	۲۰	۱۷
۱۴	۳۶	۲۶	۲۱	۳۳	۲۰
۸	۴۲	۲۳	۲۸	۱۸	۳۱
۴۱	۹	۲۲	۲۷	۱۹	۳۲

لوح شرف شمس					
مر	ح	س	ی	طه	الر
ح	ی	الر	مر	س	طه
س	الر	طه	ح	مر	ی
الر	طه	ی	س	ح	مر
ی	مر	ح	طه	الر	س
طه	س	مر	الر	ی	ح

لوح شرف شمس

جمیل

للمشتری جار طب

۵۹ ۳۴ ۳۳ ۱۶
۲۳ ل ع ۲۷
۴۴ م ی ۵۶
۳۴ ۳۷ ۳۸ ۵۱

بدان که مفتاح این چهارده اسم چهارده حرف نورانیست وآن این است
ا ل م ص ر ک ه ی ع ط س ح ق ن بینات این حروف بلا
تکرار زبر اینست ف ر و وعدد حروف بینات ج وازحروف بسم الله
ب وترکیب این چهارده اسم از این حروفاست امّا شرحی یکدر خواص کتابت
حروف نورانی کرده میشود که هرگاه عامل صاحب وقوف اراده دعوت این
حروف داشته باشد بعد از قواعد که از پیشتر گذشت از ایام ریاضت
ودعوت والواح که در یابد که قمر زاید النور است بفضل آورده باشد شروع
کند درکتابت این حروفات ودر چهارده روز اول ماه که قمر زاید النور است هر روز
چهارده صفحه از حروف نورانی کتابت کند بقاعده تکسیر جفر جامع چنانچه
در چهارده روز صد ونود وشش صفحه کتابت کرده میشود وقاعده
کتابتش اینست مثلا روز اول حرف الف است واز صفحه اول دوم وسیوم مثلش
این است وباقی تا سطر چهاردهم بر عامل صاحب وقوف مخفی نخواهد بود

///ا	///ل	///م	///ص	///ر	///ک	///ه	///ی	///ع	///ط	///س	///ح	///ق	///ن
الا	الل	الم	الص	الد	الک	اله	الی	الع	الط	الس	الح	الق	الن
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ق	ن

واز صفحه دوم سطر اول ودوم وسیم اینست باقی تا چهاردهم بر عامل ظاهر است

الاا	الال	الام	الاص	الار	الاک	الاه	الای	الاع	الاط	الاس	الاح	الاق	الان
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الا	الال	الام	الاص	الار	الاک	الاه	الای	الاع	الاط	الاس	الاح	الاق	الان

واز صفحه سیوم تا چهاردهم که در روز اول کتابت باید کرد بر
عامل صاحب وقوف ظاهر است واز نمودار هویداست ودر روز دوم حرف
لام است وچهارده صفحه باید نگاشت چنانچه از صفحه اول روز دوم که
حرف لام است سطر اول ودوم وسیم اینست وتا چهارده سطر بر عامل ظاهر است

بما اتیهم الله من فضله لوح این است قوله

اما مربع پنج در پنج را اگر کسی در هر خانهٔ او اسم باسط
بنویسد و عدد نظم طبیعی خودش علاحده در همان لوح
بنگارد چنانچه عدد فی تکسیر هر دو در یک صفحهٔ
لوح باشد بر کسی که مشک داشته باشد و گلاب در ساعت نه از روز نهم
یا هیجدهم یا بیست هفتم ماه بشرطی که قمر قوی و خوشحال باشد و منحوس نباشد
و در طریقه و عقرب نباشد هر که این لوح را در زیر سر نهد محتلم نشود و خواب پریشان
نبیند لیکن باید که هر روز یا از روزها که ذکر کرده شد در ساعت نه آن روز بنویسد
و ذکر اسم الباسط را اگر در روز جمعه هنگامی که ساعت اول روز باشد هفتاد و
دو نوبت بخواند جهت دفع بستگی و قبض خواطر بسیار مفید است دیگر این اسمهای
عظام را که ذکر خواهد شد خواص بسیار است و جهت هر حاجت اگر کسی بخواند
یا تکسیر کند و با خود دارد بسیار نیکو است اولا جهت گرسنگی اسم صمد و
مقیت باید خواند که دفع گرسنگی میکند و انقدر که قدرت داشته باشد باید خواند و
اگر بقواعد مقرره که از جمل حسابی باشد بخواند غالبا بهتر است اگر تکسیر شی و نقش
بنگارد هم از آن اعلا است دیگر جهت هدایت و رشد اسم هادی و رشید
بخواند بهمان قاعده که در آن اسم پیشتر ذکر کرده شد بسیار مفید است تا
بشرایط مذکوره دیگر جهت دفع فقر اسم غنی و مغنی بسیار مفید است دیگر
جهت ضعف بدن و ماندگی اسم قوی و متین بهمان قاعده که از پیش ذکر آن
رفته بعمل آورد و فایده بسیار دارد دیگر جهت دفع مذلت و خواری اسم عزیز
و عظیم بعمل آورد بقاعدهٔ مقرره دیگر جهت دفع کرب و اندوه اسم لطیف
و اسع فایده بسیار دارد دیگر جهت دفع عجز اسم قادر و قاهر بعمل آورد دیگر
جهت دفع بلادت اسم علیم و محصی بعمل آورد دیگر جهت دفع الام و امراض
اسم شافی و معافی بعمل آورد که بسیار فایده میدهد و مجرب است دیگر جهت
دفع قبض و بستگی خاطر اسم باسط و جواد بعمل آورد دیگر جهت محبت و وداد
اسم حبیب و ودود بعمل آورد و جهت غلبه بر اعداء اسم شدید البطش بعمل

آورد

این سه ماه در شبهای نور که قمر در تزاید نور است بهمین طریقه و در عقرب
نباشد زیراکه این ملاحظه از لوازم است و مادامیکه بدین شرایط عمل کرده
باشد در عملی از اعمال که خواهد که تصرف کند یا سهل و جمعی تواند کرد از برای
آنکه روحانیات حروف در تحت تسخیر وی در آمده اند و قاعدهٔ استخراج
عزیمت بدین نوع است که مثلا روز اوّل که کتابت حرف الف میکند و در
این صفحات چهار ده گانه اسم الله واکرام و ارحم و اعلی جمع کشوده اول حرف الف
را بسط کند بدستوریکه مرقوم میگردد و ملائکهٔ او را استخراج کند و بعد
از آن او را دعوت کند بدین طریقه مرتبهٔ اول از حرف الف یک مرتبه ثانی ل ف
مرتبهٔ ثالث ال فل ام فا جمعها ۱۲ اح د ث ل اف ی ن ث م ا ن ی ن
ث ل ا ث ی ن اح د و ا ر ب ع ی ن ث م ا ن ی ن اح و بس این حروفات
را شماره کند و این حروفات سی و نه حرف است پس این ۳۹ حرف را در دوازده
حرف سه مرتبه ضرب کند و حاصل الضرب را فراگیرد مثلا ۳۹ در ۱۲ ضرب
کردیم حاصل الضرب این است ۴۶۸ و استنطاقش اینست ت س ح
و ملائکه اش اینست تسحائیل چنانچه ائیل از خارج داخل شود و بعضی
بر آنند که ۳۹ حرف را در ۲۹ حرف ضرب باید کرد که حاصل الضرب را
بحرف برند و ائیل اضافه کنند و این بقاعدهٔ الواح جواهر است و درست است
فاما این همه قاعده نیست معقول مضبوط و بعضی بکر بر آنند که عدد ائیل
از حاصل الضرب کم باید نمود که باقی بحرف برند و ائیل اضافه کرده ملک حرف
سازند و این همه از قواعد استادانست و بعضی بر آنند که ملک حرف
الف جبرائیل است و بقاعدهٔ که مصنف نوادر الاسرار بیان نموده علاحده
است غرض که طریق مختلف در این امر بسیار است و هر کدام که عمل کنند
درست است فامادر این مختصر بقاعدهٔ که در اول در بسط حرف الف
نموده شد عمل باید کرد و بواقی حروف را بدهر روز بهمین طریق باید نوشت
و عزیمت چنین باید خواند که بسم الله الرحمن الرحیم اجب یا تسحائیل انت و
خدایک سامعاً مطیعاً لقضاء حوائجی کذا وکذا بحق الر کهیعص طس

حمٓ ق ن و بحق الله الاکرم الارحم الاکمل الاعلی بارك الله فیك و علیه
واین عزیمت را نوزده نوبت باید خواند و هر روزه عدد خواندن عزیمه
این است و قسمش همان مقطعات قرانی و اسمی که در صفحات یومی چهره
کشاید و اسم ملك بقاعده که در الف گفته شد از حروف باقی لوح استخراج
باید کرد اما بعضی از استادان چنین مقرر داشته اند که اسمیکه استخراج
کنند آنرا بالفاظ متنوعه ذکر باید کرد چنانچه اسم اول که استخراج شد
اولش این باشد تهجائیل و ثانیش حسنتائیل بر عکس و ثالثش حرف ماد
ساقط کنند و سهجائیل گویند و رابعش حرف عشرات ساقط کرده حرف
آحادش را اگر مجرد توان خواند مثل حائیل بخوانند و اگر خواهد که بیك دو
حرف خوانده شود چنین باید اجدائیل یا هر ترکیب که خواهد بشرط آنکه
آن ترکیب عدد همان حرف مفرد باشد که مانده مثلا در این عمل حرف مفرد
آحادی حا بود که جملش هشت است این عدد هشت را بدین کلمه توانند
خواند اجدائیل و بدین کلمه هم توانند خواند ججائیل و بدین کلمه هم توانند
خواند که بوائیل و بدین کلمه هم توان خواند که ازائیل غرض که بیکی از این کلمات
اکتفا باید کرد نه آنکه همه بخوانند و ما دامیکه عمل چنین کند عزیمت را
چنین باید خواند که بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ملائکة الله
الموکلین بالحروف الالفیه المسطور فی الکتاب لسما و بیه اجیبوا یا تهجائیل و یا
حسنتائیل و یا سهجائیل و یا حائیل و ممکن است که بجای حائیل کلمه
اجدائیل بگوید یا کلمه دیگر که شامل همین عدد باشد انتم و اعوانکم
سامعا مطیعا بقضاء حوائجی کذا و کذا بحق الر کهیعص و طس و حم
و ق و ن و بحق اسماء العظام الله الاکرم الارحم الاکمل الاعلی بارك الله
فیکم و علیکم اکنون بعد از شرح خواص حروفات نورانی و قواعد تکسیر
آن و دعوت بدان شروع میرود در بعضی خواص بواقی حروف بتوفیق
الله الملك الوهاب بدان برادر که همچنین که در خواص حروفات نورانی
خواص چند غریب عجیب هست و گفته شد در حروفات ظلمانی نیز

ودرچهارده روزشهر رمضان نیز همچنین وقاعدهٔ تکسیر ... نیست

ا	ل	م	ص	ر	ک	ه	ی	ع	ط	س	ح	ق	ن
ن	ا	ق	ل	ح	م	س	ص	ط	ر	ع	ک	ی	ه
ه	ن	ی	ا	ک	ق	ع	ل	ر	ح	ط	م	ص	س
س	ه	ص	ن	م	ی	ط	ا	ح	ک	ر	ق	ل	ع
ع	س	ل	ه	ق	ص	ر	ن	ک	م	ح	ی	ا	ط
ط	ع	ا	س	ی	ل	ح	ه	م	ق	ک	ص	ن	ر
ر	ط	ن	ع	ص	ا	ک	س	ق	ی	م	ل	ه	ح
ح	ر	ه	ط	ل	ن	م	ع	ی	ص	ق	ا	س	ک
ک	ح	س	ر	ا	ه	ق	ط	ص	ل	ی	ن	ع	م
م	ک	ع	ح	ن	س	ی	ر	ل	ا	ص	ه	ط	ق
ق	م	ط	ک	ه	ع	ص	ح	ا	ن	ل	س	ر	ی
ی	ق	ر	م	س	ط	ل	ک	ن	ه	ا	ع	ح	ص
ص	ی	ح	ق	ع	ر	ا	م	ه	س	ن	ط	ک	ل
ل	ص	ک	ی	ط	ح	ن	ق	س	ع	ه	ر	م	ا

وبعد از آن که این صفحه تمام شد حروف صد واین صفحه برداشته زمانی
بسازد وتکسیر کند بقاعدهٔ مقرره تا سطر اول باز آید وبعد از آن از صفحهٔ
دوم باز صد برداشته زمانی سازد وصفحهٔ دیگر تکسیر کند همچنین
تکسیر کند تا بصفحهٔ رسد که صد وششم صفحهٔ اول بود واین تکسیر
بسیار میتوان کرد خواه منصوب وخواه مقلوب غرض در دو ماه بعد از
ماه اول در چهارده روز از ابتدا این تکسیر باید کرد واگر همچنین هر روز
چهارده صفحه از این تکسیر کند ممکن است زیرا که میتوان سابقا آنکه ده روز
قبل از شهر رجب ترک از حیوانی میباید بود وصایم وابتدای خلوت میباید کرد
تا تمام سه ماه که بکند نود ونه روز باشد واین ولت وقتی میسر است که در

این

... مسطور میگردد بطریق اشارات و رمز بر عامل صاحب وقوف یاد کرده در
ب کتاب ... فریضه داند و در بند ضرر و مکافات نباشد ای طالب بدان
پنجم حروفات نورانی بود متعلق بکواکب سبعه سیاره بود حروفات ظلمانی هم چنان
ست اما این حروف بر دو قسم است قسمی را دنی گفته اند و قسمی را دنی دنی تفصیلش
ب سبعه بنوعی ست که بنظر میرسد والحروف الدنی زحل غ مشتری ض مریخ و
ج زهره ت عطارد ذ قمر د فاما حروف الدنی الدنی اینست زحل ج مشتری ظ
ش شمس ف زهره ث عطارد ز قمر خ و مجموع این حروفات نیز چنانچه حروفات نورانی
ده لوح مربع سه در سه مقرر است و در ایام تزاید نور قمر این حروفات را نیز چنانچه
مثلث سه در سه که انرا مثلث هندی گویند مقرر است و ایام این حروفات چهارده روز
نقص النور است و عملش تمام بر عکس اعمال اولست جهة تبغیضات و تهلیکات و تسخیر
طین الجن و تکسیر این حروف مقلوب است نه منصوب تعریف سماء و کلان این حروف
لیشر است چنانچه در اسماء و ما انکه روحانی کلمه ابجد بود و این کلمه طیش مقلوب شیط
ره بشیطان است فافهم مصرع یاک آرا بن معنی گفتیم و همین باشد فاما چون در
کتاب گفته شد که انچه مسعود است بواسطه آنکه سعادتش بر نحوست غالب است انرا
گفته اند خواه کواکب خواه حروف کواکب انچه منحوس است بواسطه آنکه نحوستش بر سعادت
ست انرا منحوس گفته اند پس بدان که حروفات نورانی با آنکه در کمال سعادت اند از ایشان گاه
ت که اثر نحوست ظاهر میشود چنانچه در حکم سیر کواکب گفته شد پس حروفات ظلمانی نیز
ست که نحوست تمام میدهند بلکه بعضی نسبت با بعضی بکار اند که نحوستی میرسانند و
ادات ایشان باعث بر اند که سعادتیست فافهم و تفصیل آن بدین نوع است که اول حروف
که صاحب اند که نحوستند جهة غلبه بر اعدا و ضرر بر خصمان و هم بر دشمنان و بکی نسبت
ن و تب محرقه بر ارباب جفا و ذلت نا اهلان و دنائت ناکسان از هر خاصیتی که گفته شد
ینا ولش حروف الدنی واضح است و حاجت بتکرار تفصیل ندارد و این حروفات را گاهی که بعمل
بدهن حیث المجموع نسبت بزحل باید داد که همچنانچه مربع سه در سه با حروفات نورانی
منسوب بقمر شد این حروفات نیز با مثلثات سه در سه هندی منسوب بزحل باشد و اندک
تی که در این حروفها هست که نسبت با خصم بر هلاک نمیرسانند آنست که بعضی از این

حروفات چنانچه مقتضیات نورانی مقابلهٔ السعود است این چند (ج ...) ابجد
السعود اند و حروفی نیست (ب ت د) و بعضی یکوانند [illegible] است
وآن اینست (ح ض ذ ق) و نشان دهندت بتفاوت ایشان [illegible] است فا با حروف
ادنی دلیل چون بعمل ورند نسبت بمریخ باید و در مربع باید نگاشت که جمیعاً هشت
خانه است وآن مشهور است بمثلث دو پای و این حروفات در نحوست اعلا مرتبه اند
مثلاً جیم در اصل مثلث زحل است و عدد جمل جن است مادامیکه بمزاج مریخ معمول
شود جهة جنون و دیوانگی هر شخص سیفی است قاطع و حرف زا مفتاح زحمت و زخم
و زجر و زنا و زندقه و زیان است و در اصل عدد سبع است که صورت سبع دارد
گاهی که در این کارها مفتاح بوده باشد سرش معلوم است مادامیکه بمشارکت مریخ
و زحل عمل شده باشد و حرف فا مفتاح فتنه و فصل و فرقه و فساد است چه اثرها
که از او بظهور آید و حرف شین در اصل صورت شین است و حاجت تفصیل ندارد
و در اصل با عدد نقاطش سیصد و شصت بیشتر باشد چنانچه آفتاب باینمقدار
روز یکدوره فلک تمام میکند با کم و بیش چند ساعت و در اصل نقطه و حرف ثا عدد
دارد و حرف ثا مفتاح ثبور است که زاویه ها و ام جهنم است و حرف خا مفتاح
خواری و خسارات و خیانت و خوف و خونست و حرف ظا مفتاح ظلمت و ظلم است
و قاعدهٔ کلیه در امر حروفات آنست که در سراسری که بیشتر در او آمده باشد در سعادت و
نحوست حکم باغلبیت آنست والله اعلم با انکه شرط نیست که پرده دری شود
فقیر حقیر بات چند پرده دری کرد فاما امیدوار است که چون کسیکه متکفل اعمال
تسخیر بوده طالبانیکه از این نسخه باین سر واقف شوند از خدا تعالی اندیشه
کرده طریق انصاف از دست نگذارند العهدة علیهم الواحد هر کوکبی در نیکی و
بدی زحل ... مثلث جهة نحوست و مربع جهة سعادت هم چنین تا سه
دوسته بقمر سد بقاعدهٔ مشارقه و اگر بقاعدهٔ مغاربه کنند بر عکس ... در
بزحل سد و ... در ... بقمر مثلثش جهة نحوست و مربع برای سعادت

والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب

باهتمام جناب آقا میرزا محمد صاحب شیرازی مشهور بملک الکتاب بخط الحقیر میرزا احمد [illegible]
عفی الله عنه و عن والدیه

شهر رجب